عنوان:

مبارزات تمامی ائمه، مصداق جهاد و مجاهده

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-m-133 |
| موضوع | منطق/مفهوم و مصداق |
| موضوع مرتبط | لغت |
| رده | علمی/علوم عقلی/منطق/تحقیقی پژوهشی/دانش منطق/مثال و تطبیق |
| برچسب | جهاد، ائمه، مبارزه، دشمن، همرزمان حسین، مفهوم، مصداق، مقام معظم رهبری |
| توضیحات |  |

مقام معظم رهبری، در کتاب همرزمان حسین و انسان 250 ساله و در خیلی جا های دیگر، همه ائمه را مجاهد و مبارز توصیف کرده اند.

حال این سوال پیش می آید که امام صادق علیه السلام کجا جهاد می کرد؟ ما که شمشیری دست ایشان ندیدیم! یا امام کاظم علیه السلام که بیشتر عمرشان را در زندان بودند، چگونه جهاد و مبارزه می کردند؟

برای رسیدن به جواب این سوال که چگونه مبارزه و کار های ائمه، مصداقی از مصادیق جهاد است، ابتدا باید «مفهوم» و «مصداق» را تعریف کرده، سپس واژه«جهاد» را از جهت معنا بررسی کرده و پس از آن، نظر امام خامنه ای مدظله العالی را درباره مصداق این کلمه بررسی می کنیم.

مفهوم

مؤلف کتاب دانش منطق، در تعریف و اقسام مفهوم چنین می‌نویسد:

هر صورتی که در ذهن وجود دارد. صورتی که چون آینه نشان دهنده حقیقتی است؛ خواه این صورت به سبب لفظ در ذهن تحقق یابد، یا با مشاهده وجود خارجی شیء و یا به گونه دیگر.

بر دو قسم است:

* مفهوم کلی: مفهومی که بر بیش از یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند انسان و اقیانوس.
* مفهوم جزئی: مفهومی که تنها بر یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند: علی، ایران، مشهد.

مصداق

همچنین وی در تعریف مصداق چنین می‌نویسد:

آنچه مفهوم بر آن صدق می کند؛ مثلا «محمد» و «علی» که مصداق مفهوم «انسان» هستند. به عبارت دیگر، لفظ حاکی از مفهوم و مفهوم حاکی از مصداق است.

باید دانست مصداق یک مفهوم، گاه حقیقتی خارج از ذهن است؛ مثل مفهوم انسان که مصادیق آن، مانند «محمد» و «علی» در خارج ذهن هستند و گاه افراد مفهوم فقط در ظرف ذهن تحقق دارند؛ مانند «مفهوم کلی» و «تصور» و «تصدیق».

جهاد

علامه مصطفوی در التحقیق فى كلمات القرآن الكريم(ج‏2، ص: 149 و 150) چنین می فرمایند:

أنّ الأصل الواحد في هذه المادّة: هو بذل الطاقة و السعي البليغ الى أن ينتهي‏ النهاية الممكنة و يبلغ غاية وسعه.

ثمّ إنّ الاجتهاد إمّا بالمال أو بالبدن و الأعضاء أو بالفكر، و كلّ منها إمّا في سبيل اللّه تعالى أو في طرق دنيويّة و أغراض شخصيّة.

فالمجاهدة هو إدامة الجهد، و الاجتهاد هو الجهد بالطوع و الرغبة.

«يُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ[[1]](#footnote-1)‏» «وَ جِهادٍ فِي سَبِيلِهِ[[2]](#footnote-2)‏» «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ[[3]](#footnote-3)»‏ «وَ جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ‏[[4]](#footnote-4)»

و المفعول في هذه الأفعال محذوف، أي يجاهدون العدوّ، و يبذلون طاقتهم و وسعهم في مقابل عدوّهم، فهم أشدّاء على الأعداء بأموالهم و أنفسهم.

راغب اصفهانی، در مفردات الفاظ قرآن(ص: 208) درباره معنای واژه چنین می فرمایند:

الْجِهَادُ و الْمُجَاهَدَةُ: استفراغ الوسع في مدافعة العدو.

الْجِهَادُ ثلاثة أضرب:

- مجاهدة العدو الظاهر.

- و مجاهدة الشيطان.

- و مجاهدة النفس.

و تدخل ثلاثتها في قوله تعالى: «وَ جاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ‏[[5]](#footnote-5)»‏ و«جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ[[6]](#footnote-6)» و«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ‏[[7]](#footnote-7)»

در کتاب تاج العروس من جواهر القاموس(ج‏4، ص: 408)، اینچنین آمده است:

و الجِهَادُ، بالكسر: القِتَالُ معَ العَدُو

الجِهادُ: مُحَاربةُ الأَعداءِ، و هو المبالغةُ و استفراغُ ما في الوُسْعِ و الطاقَةِ من قَوْلٍ أَو فِعْل‏

با توجه به معانی ذکر شده، جمع بندی معنای واژه جهاد بدین گونه خواهد بود:

* به کار بردن نهایت توان و وسع و تلاش بسیار زیاد در مقابله و درگیری با دشمن را جهاد می گویند که می تواند این مقابله، به وسیله ی مال، جان، بدن و اعضاء، فکر و هر چیز دیگری باشد. به عبارت دیگر، یعنی تلاش بی وقفه در مقابل دشمن و دفع آن به هر وسیله ای. دشمن اعم از دشمن بیرونی( شیطان و کفار و منافقین و استکبار و ...) و دشمن درونی( نفس) است. پس هر تلاش و کوشش مقابل این دشمنان، مصداقی از مصادیق جهاد محسوب می شود.

نظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری ابتدا تفاسیر غلط از معنای واژه «جهاد» را بیان کرده و رد می کند، سپس تفسیر صحیح آن را بیان می کند:

امام صادق، موسى بن جعفر، امام جواد و امام هشتم علیه السلام، هم رزم حسین (ع)اند، در

میدان حسین (ع)و دوشادوش حسین (ع)اند و با همان دشمن میجنگند و مبارزه میكنند؛ همان دستی كه حسین (ع)را شهید كرد، ایشان را هم شهید كرد.

وقتى که ما میگوییم امام صادق (ع)جهاد میكرد، سؤال میکنند: كجا امام صادق(ع) جهاد میكرد؟ ما که شمشیرى دست ایشان ندیدیم.

درباره جهاد دو تفسیر غلط و یک تفسیر صحیح وجود دارد:

1. اولین تفسیر غلط: جهاد برطبقِ لغت، یعنى كوشش؛ و جهاد در راه خدا، یعنى مطلقِ كوشش در راه خدا. لذاست که میگویند رزق حلال تحصیل کردن، یک نوع جهاد است. از اینجا شما شروع کنید تا بزرگ ترین کار ها و کوچک ترین کار ها که اینها همه اش یک تلاشی است؛ اگر برای خدا بود، جهاد است.

میگویند:« آقا! جهادی که در در اسلام هست، این است؛ تلاش کنید برای کسب، تلاش کنید برای علم، تلاش کنید برای زندگی، تلاش کنید برای دیدار دوستان، هر زحمتی که بکشید، جهاد فی سبیل الله است.

علت نادرستی: لغت «جهاد » به معناى مطلق كوشش است امّا اگر جهاد در فرهنگ اسلامى به این وسعت بود، لزومى نداشت كه اسم خاصّی روى این بگذارند در مقابل سایر اسم هایی که در اسلام هست. ؛ نماز، روزه گرفتن، به حج رفتن و زکات دادن و همه ى اعمال اسلامى یك جهادى است. بنابراین چرا یک اسم خاصی رویش بگذارند؟ پس جهاد، مطلق کوشش نیست. جهاد، یک چیزی است در مقابل همه ی واجبات دیگر. پس در فرهنگ اسلامی- یعنی قرآن و روایات- دایره ی جهاد را به این وسعت گرفتن، خطای بزرگی است. خیلی بزرگ است این خطا. پس این یک تفسیر، که تفسیر غلطی است.

2. دومین تفسیر غلط: جهاد در اصطلاح قرآن و حدیث یعنى جنگ با شمشیر در میدانی که دشمن آن طرف ایستاده باشد، تو این طرف ایستاده باشی، شمشیر را از غلاف بیرون بکشی و بزنی به دشمن.

این تعبیر هم درست نیست. جهاد در قرآن فقط به معناى جنگ مسلحانه ی در مقابل دشمنِ مشخّص نیست. جهاد ممکن است شقوق و اَشكال دیگرى هم داشته باشد و دارد. بنابراین تفسیر دوم هم غلط است. در سوره برائت، آیه ی شریفه می فرماید:«ای پیغمبر، با کفار و منافقان جهاد کن». در فقه شیعه و به طور کلی در فقه اسلام مسلم است که پیغمبر با منافقان جنگ مسلحانه ی رویارو نکرده و با آنها در یک میدان قرار نگرفته و جهاد پیغمبر با آنها به شکل دیگری انجام گرفته؛ در عین حال در این آیه، از مبارزه ی پیغمبر با اینها تعبیر به جهاد شده. بنابراین جهاد، با این دو تعبیر، غلط است.

3. تفسیر صحیح جهاد: جهاد عبارت است از درگیری با یک دشمن به یکی از اشکال و شقوق ممکن. عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها تلاشی که با درگیرى با دشمن همراه است. آن تلاشى که با درگیرى با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست. فرض بفرمایید یک نفر دانشمند محققی برود بنشیند درباره ی یک مسئله ی حقوقی خشک غیر لازم، یا حتی لازم- مثل یک مسئله ای که در شیمی است، یک مسئله ای که مورد استفاده و انتفاع مردم است- زحمت بکشد و تحقیق کند، به کار او جهاد نمی گویند؛ کما اینکه در فارسی هم به آن، مبارزه نمی گویند. به انیشتین یک مبارز نمی گویند. چرا؟ برای خاطر اینکه این عمل، این تحقیق، این کشف، این کاری که به وسیله ی فکر . یا به وسیله ی پول با به وسیله ی دست انجام گرفته، در راه پیشبرد یک هدف فکریِ ایدئولوژیکی و در راه مقابله ی با دشمنِ این فکر، به کار نرفته. لذا به این کار، جهاد نمی گویند. اما همین آدم کتاب نویس، میرود درباره ی یک مسئله ای که در آن، درگیری با دشمن هست، تحقیق می کند، فرض بفرمایید یک دشمنی در راه پیشبرد اهداف خصمانه ی خود، یک طرز فکری را برای مردم ایجاد می کند. جهاد فکری در اینجا این است که یک دانشمند، یک محقق قلم در دست بگیرد و ثابت کند که این طرز فکر، یک طرز فکر غلط است. این هم کتاب نویسی است، ان صورت قبلی هم کتاب نویسی بود؛ اما آن جهاد نبود، این جهاد است. چرا؟ برای اینکه در آن، درگیری با دشمن نبود؛ در این، درگیری با دشمن هست.

به عبارت دیگر جهاد یعنى هر نوع درگیرى و مبارزه ى با قدرتهاى ضدّ تعالى و تکامل انسانی- یعنی ضد اسلام و ضد قرآن- هرجور که با اینها درگیری کردید، این در اسلام اسمش جهاد است.

بعد از آنکه ما معناى جهاد را فهمیدیم، آن وقت خیلى آسان میتوانیم قبول کنیم که ائمّه، جهاد می کردند.

دیگر نباید سوال کرد که که آقا امام صادق علیه السلام کی شمشیر دستش بود؟ مگر لازم بود شمشیر دستش باشد؟ مگر لازم بود امام صادق علیه السلام عمامه را بردارد و بیاید توی میدان شعار بدهد؟ کافی بود که امام صادق علیه السلام بیاندیشد، امام صادق علیه السلام فرمان دهد، امام صادق علیه السلام یک کلمه ای بگوید که این کلمه، اصلی باشد تا مسلمان های زمان خود او و بعد از زمان خود او، از آن اصل پیروی کنند. این کافی بود تا اینکه امام صادق علیه السلام را مجاهد بدانند.[[8]](#footnote-8)

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، مقام معظم رهبری، تمامی مبارزات ائمه با شیوه های گوناگون(با شمشیر در میدان جنگ، فعالیت علمی و تشکیلاتی و...) را جزء مصادیقِ مفهومِ «جهاد و مجاهده» شمردند.

این نشان می دهد که مقام معظم رهبری، دید کلان و تسلط کامل به مفاهیم اسلامی و تاریخ ائمه علیه السلام دارند و مفاهیم را اینچنین کاربردی می کنند.

1. . سوره مبارکه مائده، آیه 54 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره مبارکه توبه، آیه 24 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره مبارکه النساء، آیه 95 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره مبارکه توبه، آیه 41 [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره مبارکه الحج، آیه 78 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره مبارکه توبه، آیه 41 [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره مبارکه انفال، آیه 72 [↑](#footnote-ref-7)
8. 1. بهمن ماه 1351 هجری شمسی (کتاب همرزمان حسین علیه السلام، ص 100 تا 113) [↑](#footnote-ref-8)